

راه خروج (تفکر خلاق)

منظور از تفکر خلاق چیست؟ کاربرد آن کجاست؟ چه مواقعی نباید از تفکر خلاق استفاده کنیم؟ تفاوت و رابطه این روش تفکری با روش های تفکری دیگر چیست؟ چرا باید از تفکر خلاق استفاده کنیم؟ اگر از آن استفاده نکنیم چه پیش می آید؟ آیا توانایی تفکر خلاق در همگان وجود دارد، یا تنها عده ای از آن برخوردارند؟ علل متفاوت بودن میزان شکوفایی آن در افراد مختلف چیست؟ عوامل موثر و موانع شکوفا شدن آن، کدامند؟ آیا توانایی تفکر خلاق، اکتسابی است؟ چگونه توانایی تفکر خلاق را به دست آوریم؟ (در خود شکوفا سازیم؟) از کجا آغاز کنیم؟ ...

این سؤالات از جمله سؤالات مهمی هستند که پیرامون تفکر خلاق مطرح اند. جهت آشنایی با این روش تفکری، قصد داریم به تعدادی از سؤالات مطرح شده بپردازیم. برای درک تفکر خلاق، ابتدا مروری بر تعریف تفکر می نماییم. از یک دیدگاه، تفکر، عملی ذهنی است و زمانی مطرح می گردد که انسان با مسئله ای مواجه است و خواستار حل آن است .

در این هنگام در ذهن، تلاشی برای حل مسئله آغاز می گردد که این تلاش ذهنی را، تفکر می نامند. فعالیت برای حل مسئله، از مراحل تشکیل شده است که از تعریف مسئله

به طور شفاف، روشن و ملموس، آغاز می گردد و با پیدا کردن راه حل هایی برای حل مسئله ادامه می یابد و با به کارگیری عملی بهترین راه حل و جواب نهایی به پایان می رسد. هر یک از روش های تفکری را می توان متدهایی دانست که به کمک آنها، قسمتی از فرایند حل مسئله، با موفقیت طی می شود .

بر این اساس تفکر خلاق (یا به بیان دقیق تر، روش های تفکر خلاق) شیوهایی تفکری هستند که به کمک آنها و برای حل مسئله، راه حل های و متنوعی به دست می آید. از این طریق احتمال دستیابی به مناسب ترین راه حل بالا می رود. نمایند، در صورتی که هر یک از آنها، تنها قسمتی از کار حل مسئله را به عهده دارند. به عنوان مثال: وظیفه تفکر خلاق در فرآیند حل مسئله، تنها یافتن راه حل است .

با تفکر خلاق بهترین راه حل هم انتخاب نمی شود، بلکه فقط یافتن راه حل، صورت می گیرد. یکی از معضلات روش های تفکری، توقعاتی است که در ذهن اغلب افراد نسبت به این روش ها وجود دارد. **هر روش تفکری، برای قسمت خاصی از فرایند حل مسئله به کار می رود و دارای فضا و حال و هوای ویژه ای است. برای مثال در مرحله تنظیم صورت مسئله و یا در مرحله انتخاب بهترین راه حل از میان راه حل های به دست آمده، فضای ذهنی، فضایی جدی و رسمی است. هنگامی که برای حل مسئله از تفکر خلاق جهت ایده یابی استفاده میشود، فضای ذهنی، فضایی نرم و لطیف، شوخ و و غیر رسمی است .**

از خطرات و معضلاتی که امکان وقوع آن در فرایند حل مسئله وجود دارد، عدم رعایت این فضاها و ذهنی است. بسیاری از انسان ها در زندگی خود به نوعی با مسئله ای مواجه اند و در نتیجه باید برای حل آن تلاش کنند. در بسیاری از موارد، افراد دارای مسائل مشابه و مشترکی هستند به عنوان مثال مسئله تأمین معاش، مسائل خانوادگی و اجتماعی و ... نتایج حاصل از تلاش افراد مختلف در حل این مسائل مشترک، بسیار متفاوت است .

یکی از دلایل این تفاوت ها را می توان در تفاوت راه حل های به دست آمده برای حل این مسائل، دانست. این تفاوت، ریشه در میزان شکوفا بودن توانایی یافتن راه حل (تفکر

خلاق) افراد دارد. واکنش افراد در مقابل آشکارشدن این تفاوت، به طور معمول جمله‌ای توجیه‌کننده است و آن این است که: «افراد با هم فرق دارند و توانایی تفکر خلاق، ذاتی است و مخصوص عده‌ای خاص است و چون این توانایی در ما به ودیعه گذارده نشده است، موفق نیستیم و نمی‌توانیم راه حل‌های ویژه‌ای برای مسائل بیابیم». اما تحقیقات جدید نشان می‌دهد که توانایی تفکر خلاق، به صورت بالقوه در اختیار همگان قرار دارد و میزان شکوفایی این توانایی است که در افراد مختلف، متفاوت است و از علل آن، تفاوت در میزان توجه فرد به آن و تلاش در شکوفا نمودن آن است. تحقیقات جدید، معرف آن است که تفکر خلاق، اکتسابی و قابل یادگیری است.

با فهم و تسلط بر شیوه‌های تفکر خلاق، می‌توان در جهت دستیابی به ایده‌های بسیار قدرتمند، عمل نمود. اولین قدم جهت شکوفاسازی توانایی تفکر خلاق، آن است که شخص بخواهد این توانایی را به دست آورد و برای به دست آوردن آن، وقت و انرژی صرف کند و از آن مهم‌تر، نرم و پذیرنده باشد و برای پذیرش تغییر، آماده. با رعایت این شرط‌ها در عمل، خود به خود گام مهمی در جهت خلاق شدن و خلاقانه تفکر کردن برداشته می‌شود.

پس از این کار باید با دانش و فنون تفکر خلاق، خصوصیات، رفتار، و منش افراد خلاق و نوآور آشنا شد و آنها را در متن زندگی به کار برد، باید خواست و چنان شد که افراد خلاق هستند.

یکی از خصوصیات بارز افراد خلاق، آن است که **توانایی "نوع دیگر دیدن"**، در آنها زنده و فعال است. منظور از "نوع دیگر دیدن" این است که تنها به یک حالت، به یک تعریف و یک تعبیر از رویدادها اکتفا نکرد و از خود پرسید که غیر از این، چه تعبیر دیگری می‌تواند برای این رویداد خاص وجود داشته باشد. تکنیکی وجود دارد که فرایند اخیر را در انسان فعال می‌سازد.

این تکنیک ساده، پرسیدن یک سؤال از خود، در هنگام مواجهه با مسائل و موضوعات است. این سؤال حرکت‌دهنده در جهت توسعه نگاه انسان، سؤال "دیگه چی؟" است که

موتور تفکر خلاق فرد را روشن می کند و از این طریق شخص، خود را وادار می سازد که به دنبال برداشت‌ها و تعبیر دیگری از موضوع برود و به یک تعبیر، بسنده نکند. **هر چه در مورد یک موضوع، تعداد تکرار این سؤال، بیشتر باشد، دستاورد آن بیشتر خواهد بود .**

این دستاورد، دستیابی به ایده‌های هرچه بیشتر است. البته این امر، اسبابی دارد که از اصلی‌ترین آنها، **پرهیز از تعجیل برای به پایان رساندن حل مسئله،** است. باید به خود، زمان کافی جهت دستیابی به راه حل‌های هر چه بیشتر را داد، حوصله داشت و تمام توان خود را درین راستا به کار گرفت.